

بررسی راهبرد «کاهش» در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بر اساس نظریه گارسس

مریم بخشی*

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۷

چکیده

توجه به کیفیت ترجمه در متون دینی از جمله قرآن و حدیث، موضوعی مهم و آشکار است و ارزیابی ترجمه این متون، جهت صیانت از آن‌ها، ضرورت و اهمیت و ارزش دوچندان دارد؛ از جمله این متون، ترجمه صحیفه سجادیه است که کمتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. یکی از این ترجمه‌های ارزشمند که توسط فولادوند انجام گرفته، دارای عیوب کاهش است. کاهش که جزء تکنیک‌های منفی ترجمه است، در الگوی گارسس مورد توجه بیشتری واقع شده است؛ این الگو، جهت ارزیابی ترجمه در چهار سطح مطرح شده است که از منظر دیگر، به سه گروه عمده افزایش، کاهش و مانع تقسیم می‌شود. کاهش، شامل حذف، کاهش (قبض)، تغییر در صنایع بلاغی، ساده انگاری و خطای مترجم می‌شود؛ مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، موارد کاهش و بسامد آن در ترجمه فولادوند را مورد بررسی قرار داده تا از صحت و درستی و انطباق آن با اصول علمی، اطمینان یافته و آن را مورد ارزیابی علمی قرار دهد؛ اساس این ارزیابی، پاسخ به این سؤال است که با توجه به الگوی کاهش گارسس، کاهش‌های ترجمه‌ای، به چه شکلی در ترجمه فولادوند نمود یافته است؟ نتایج بررسی نشان می‌دهد، مصادیق کاهش که به این ترجمه آسیب زده‌اند، عبارتند از: ۱- انواع حذف (حذف واژه، حذف چندین عبارت یا جمله و حذف بی‌رویه جملات)، ۲- قبض یا کاهش (حذف به قرینه لفظی، تغییر مجهول به معلوم، اسمی شدگی، تبدیل جمع به مفرد)، ۳- تغییر در صنایع بلاغی ۴- خطای مترجم (خطاهای معنایی- لغوی و خطاهای صرفی- نحوی) و بیشترین بسامد کاهش مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

واژگان کلیدی: ترجمه صحیفه سجادیه، فولادوند، نظریه گارسس، کاهش، حذف

۱- طرح مسأله

در طول تاریخ، ترجمه متون دینی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار بوده و همه عالمان دینی و صاحب‌نظران ترجمه در مورد حساسیت این نوع از متون تأکید فراوان داشته و از ایجاد تحریف در این متون برحذر داشته‌اند.

دغدغه حراست از اصالت متون مقدس، صاحب‌نظران ترجمه را بر آن داشت که ترجمه متون مقدس را همچون دیگر متون نپندارند و بر آن چهارچوب ویژه در نظر گیرند. از سوی دیگر این اهمیت موجب شد که هیچ ترجمه متن مقدسی پایان کار تلقی نگردد و با تداوم ترجمه متون مقدس فاصله زبان مقدس با زبان مقصد کم‌تر گردد، گرچه هیچ‌گاه این فاصله به صفر نخواهد رسید (سلطانی، ۱۳۷۷: ۵).

در بین مسلمانان و به ویژه شیعیان، کلام معصوم در رتبه‌ای پایین‌تر نسبت به قرآن جزء متون مقدس به شمار می‌آید. البته عالمان دینی همواره به آن کلمات با دیده احترام و قداست می‌نگریسته‌اند. این احترام نسبت به دعاها و به ویژه دعا‌های منقول از امام سجّاد (ع) بیش‌تر بود. ترجمه‌های احتیاط‌آمیز از صحیفه سجّادیه نیز گواهی بر این ملأ است (سلطانی، ۱۳۷۷: ۵).

کتاب ارزشمند صحیفه سجّادیه، از جمله متون دینی است که بررسی ترجمه آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان مختلفی با رویکردهای مختلفی این کتاب را ترجمه نموده‌اند. از جمله این مترجمان مشهور و پرآوازه محمدمهدی فولادوند است. علیرغم مهارت و توانمندی و سابقه طولانی این مترجم در قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه، برخی عیوب اساسی در ترجمه ایشان دیده می‌شود و آن عبارت است از حذف و خطا در ترجمه؛ که ما این عیوب را تحت عنوان «کاهش» در ترجمه صحیفه سجّادیه بررسی کرده- ایم؛ کاهش در اکثر نظریه‌های ترجمه دیده می‌شود، اما در نظریه کارمن والرو گارسس^۱ (۱۹۹۴) به صورت کامل‌تر، منسجم‌تر و با زیر مجموعه وسیع بدان پرداخته شده است.

بدین ترتیب، تکنیک‌هایی که کاهش را در بر می‌گیرند، عبارتند از: کاهش، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

در ترجمه مورد بررسی (دعاهای ۳، ۲۰، ۲۷، ۳۱ و ۴۹) که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، حذف‌ها و خطاهای عمده‌ای دیده می‌شود که منجر به تحریف متن اصلی از سوی مترجم گردیده، که ناشی از بی‌دقتی مترجم بوده است؛ از این رو در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مولفه‌های کاهش را که جزء ویژگی‌های منفی ترجمه هستند، براساس نظریه گارسس در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بررسی کرده‌ایم. این ارزیابی در جهت اطمینان از صحت و درستی و انطباق این ترجمه با اصول علمی ترجمه صورت گرفته و در اثنای آن به معرفی جنبه‌های منفی این ترجمه پرداخته شده است. از این رو در بررسی حاضر، پرسش‌های زیر مطرح است:

۱- ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه براساس نظریه گارسس، دارای چه عیوب کاهشی است؟

۲- بیش‌ترین مؤلفه کاهش، که به این ترجمه آسیب زده، کدام است؟
لازم به ذکر است، در بررسی پیشینه پژوهش، در رابطه با بررسی ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه گارسس، هیچ اثر پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- مبانی نظری

کتفورد^۲ ترجمه را اینگونه تعریف می‌کند: «جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد» (لطفی پورساعدی، ۱۳۸۹: ۳). زمانی که در این فرآیند، عناصری از متن مبدأ در مسیر انتقال به متن مقصد، حذف شود، عمل ترجمه مختل شده و نمی‌توان از نظر علمی، آن ترجمه را ترجمه مقبول دانست؛ چرا که در این فرآیند، بخشی از متن از بین می‌رود و چه بسا خواننده‌ای که به متن ترجمه اعتماد کرده و دیگر به متن اصلی رجوع نمی‌کند. از طرف دیگر حذف موجب ابهام در متن و سردرگمی مخاطب می‌شود.

مترجم در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند، باید پاسخگو باشد (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۴). عدم حذف و رعایت امانت از اصول اساسی ترجمه است. «معمولاً حذف برخی قسمت‌های جمله زمانی موجب شمرده می‌شود که مترجم آن موارد را برای خواننده خود واضح یا تکراری و خسته‌کننده تشخیص دهد» (زرکوب، ۱۳۹۲: ۴۵). نظریه‌ای که موضوع حذف و خطا را از جوانب مختلف و با دیدی وسیع مورد تأمل قرار داده، نظریه والرو کارمن گارسس است.

۲-۱- نظریه گارسس

ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه ضروری است. «ارزشیابی ترجمه و مترجم، زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در راستای بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود؛ در ترجمه‌ها روند صعودی به وجود آید و در نهایت ترجمه‌هایی با کیفیت عالی داشته باشیم» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲: ۵۹). برای مصون ماندن از آسیب‌ها، نیاز به قوانینی احساس می‌شود که معیار و ملاک‌هایی را برای ناقدان و ارزیاب‌ها ارائه دهد که این دو گروه به صورت مستدل و با مبانی قابل اعتماد که مورد تایید صاحب‌نظران ترجمه نیز باشد اقدام به نقد و ارزیابی نمایند (صیادانی، ۱۳۹۶: ۸۸).

گارسس (۱۹۹۴) مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه نموده است که مرکب از مدل پیشنهادی وینه و داربلنه^۳ (۱۹۵۸) آرا و عقاید دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه مانند نایدائ^۴، نیومارک^۵، دلپسل^۶ و... است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و گروه‌های آنها) و در نهایت دو معیار کفایت و مقبولیت بررسی و رده‌بندی می‌شود (همان، ۱۳۹۲: ۴۴).

گارسس برای ارزیابی شباهت‌های متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح پیشنهاد می‌کند.

این چهار سطح عبارتند از:

سطح معنایی - لغوی^۷

سطح نحوی - واژه ساختی^۸

سطح گفتمانی - کارکردی^۹

سطح سبکی - عملی^{۱۰}

«همه این تکنیک‌ها را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را

دربر می‌گیرد، تقسیم کرد:

- افزایش^{۱۱}

- مانش (حفظ)^{۱۲}

- کاهش^{۱۳}

در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتند از: تعریف، بسط^{۱۴}، دستور گردانی^{۱۵}، دگر بینی^{۱۶}، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقه و تفصیل^{۱۷}. تکنیک‌هایی که در حوزه مانش (حفظ) اطلاعات می‌گنجند، عبارتند از: معادل فرهنگی^{۱۸}، اقتباس^{۱۹}، ابهام^{۲۰}، ترجمه قرضی^{۲۱}، ترجمه تحت اللفظی^{۲۲}، جبران^{۲۳}، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ. تکنیک‌هایی که کاهش را در برمی‌گیرند، عبارتند از: کاهش^{۲۴}، حذف^{۲۵}، حذف بن‌مایه متعهدانه^{۲۶}، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای^{۲۷}، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه^{۲۸} یا ساده‌انگاری مترجم (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

۳- کاهش و کار بست آن در ترجمه صحیفه سجادیه

«در این روش، عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند، در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند یا به طور کلی حذف می‌شوند» (فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). همچنانکه پیش‌تر گفتیم کاهش، شامل: کاهش (قبض)، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، تغییر در صنایع بلاغی، ساده‌انگاری و خطای مترجم می‌شود؛ در ادامه به معرفی مؤلفه‌های کاهش و مطابقت آن با ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه می‌پردازیم.

۳-۱- حذف

حذف، فرآیندی منفی از ترجمه است که هیچ کدام از صاحب نظران ترجمه، آن را تجویز نمی کنند و آن را از عوامل اصلی عدم امانت داری در ترجمه می دانند؛ حذف در ترجمه یادشده، به شکل های زیر قابل ملاحظه است:

۳-۱-۱- حذف یک واژه

إِذَا سَبَّحْتَ بِهِ حَفِيفَةَ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ (دعای ۳).

چون ابرها روان شوند از دل ایشان آذرخش ها جهیدن گیرد. (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۵)

(حذف ترجمه «حقیقه»: انبوه و «البروق»: برق ها)

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ (دعای ۳۱).

زیرا که تویی که توبه گناهکاران را می پذیری و بر خطاکاران مهربانی! (فولادوند، ۱۳۷۹:

۳۲۰) (حذف ترجمه «المنیبین»: توبه کنندگان)

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً (دعای ۳۱).

در پرده ی عافیت خویش در پوشان (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۸). (حذف «تفضلاً»: از روی

فضل و بخشش)

دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ أَظْلِنِي فِي ذَرَاكَ (دعای ۲۰).

دردم را درمان کن و مرا در کنف امن جای ده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۴). (حذف «صنْعِكَ»:

با احسان خود (المعجم الوسيط، ۲۰۱۱: ۵۴۵))

أَلَّفَ جَمْعَهُمْ، وَ دَبَّرَ أَمْرَهُمْ، وَ وَاتَرَ بَيْنَ مَبَرِّهِمْ (دعای ۲۷).

جمعیت ایشان را متحد فرما و کارشان را سامان بخش و سیورسات و هزینه های آنان را

فراهم ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۶).

در نمونه حاضر، مفهوم فعل «واتر»، که به «معنای پی در پی رساندن» است، مورد بی-

توجهی واقع شده و ترجمه نشده است و ترجمه جمله به این صورت است: و آذوقه هاشان

را پی در پی برسان.

أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ (دعای ۲۷).

آن‌ها را به وسیله صفوف فرشتگانی که در نزد تو اند، یاری فرمای (حذف «مردفین»): پی در پی آینده).

بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَأَنْتَهُ بِنَيْسِي إِلَى أَحْسَنِ النَّبَاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ (دعای ۲۰).

ایمان مرا با کامل‌ترین مراتب آن و یقین مرا به برترین درجات یقین، و نیتم را به نیکوترین نیت‌ها و عملم را به بهترین اعمال رفعت بخش! (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۲) (حذف بَلِّغْ: برسان و واجعل: قرار ده)

مترجم سه فعل را به صورت یک فعل ترجمه کرده در حالی که بهتر بود فعل هر کدام از جملات را همراه با متعلقات آن ترجمه می‌کرد.

۳-۱-۲- حذف چند واژه

الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقْرَبُ عِنْدَكَ (دعای ۳).

و آنگاه فرشته امین وحی جبرئیل است که در میان اهل آسمانها مورد اطاعت و در پیشگاه تو مقرب است (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۵). (ترجمه عبارت محذوف: ارجمند در پیشگاهت)

إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسْتِرِ الْعَائِيَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرَةِ، وَسُكُونِ الرِّيْحِ، وَطَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسُّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ (دعای ۲۰).

فاش کردن نیکی و پوشش عیب‌ها و نرم رفتاری و فروتنی و خوش رفتاری و نیک روشی و پیش‌دستی در فضیلت (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

«سکون الريح وطيب المخالقة» در ترجمه این جملات نادیده گرفته شده است.

انصاریان، این عبارت را به صورت «سنگینی، و خوش خلقی (با مردم)» ترجمه کرده است

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ (دعای ۲۷).

همانا تویی آن خدایی که جز تو خدایی نیست و تو را شریکی نمی‌باشد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۶).

«وحدک» به معنای «یگانه‌ای» است و مترجم در افاده معنای آن به جمله قبلی بسنده کرده و مفهوم دقیق آن را در ترجمه حذف کرده است.

أَبْدَلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ الْأَمْنَةِ (عای ۲۰).

کینه‌توزی کینه‌توزان را درباره من، به مهر، و تلخی بیم از ستمکاران را به شیرینی ایمنی از تجاوز آنان مبدل فرمای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۴). (ترجمه عبارت محذوف: اهانت را به برخورد نیک مبدل کن)

الَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَتَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ أَوْاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا (دعای ۳).

آن فرشتگانی که میزان و اندازه باران‌ها را به ایشان آموخته‌ای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۶).

ترجمه عبارت محذوف: «پیمان‌ها باران‌های سخت و رگبارها» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۵۵).

۳-۱-۳- حذف جمله

وَ حَقَّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَ سَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي، وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي (دعای ۲۰).

آرزویم را با امید به رحمت خود مقرون فرمای و در هر حال که هستم کارم را نیکو ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

(ترجمه عبارت محذوف: راه‌های مرا برای رسیدن به رضایتت هموارکن).

أَلْفَ جَمْعَهُمْ، وَ دَبَّرَ أَمْرَهُمْ، وَ وَاتَزَّ بَيْنَ مِيَرِهِمْ، وَ تَوَحَّدَ بِكِفَايَةِ مُؤَنِيهِمْ وَ اغْضُدْهُمْ بِالنَّضْرِ

(دعای ۲۷).

جمعیت ایشان را متحد فرما و کارشان را سامان بخش و سیورسات و هزینه‌های آنان را فراهم ساز و ایشان را در پیروزی یاری ده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۶).

(ترجمه جمله محذوف: سختی‌هایشان را به تنهایی، کفایت کن).

اللَّهُمَّ الْجُزْأَةَ، وَارْزُقْهُ الشَّدَّةَ، وَ أَيْدَهُ بِالتُّصْرَةِ (دعای ۲۷).

دلیری به او الهام کن و با پیروزی تاییدش فرما (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

(ترجمه جمله محذوف: قدرت و توانمندی نصیبش کن)

وَ حَثَّتْ عَلَيَّ الدُّعَاءِ، وَ وَعَدَّتْ الإِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي (دعای ۳۱).

و بر دعا ترغیب کردی پس با درود بر محمد و خاندان وی، توبه‌ام در پذیر (فولادوند،

۱۳۷۹: ۳۲۰). (ترجمه جمله محذوف: به اجابت وعده داده‌ای)

الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَيَّ مَلَائِكَةَ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ (دعای ۳).

آنگاه درود باد بر فرشته‌ی «روح» که از عالم امر توسست (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۵). (ترجمه

جمله محذوف: فرشته روح که موکل بر فرشتگان حجاب‌ها است).

۳-۱-۴- حذف بی‌رویه چندین جمله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا اسْتَقْدَمْتَنَا بِهِ

(دعای ۳۱).

بار خدایا! درود بر محمد و خاندان وی، همانگونه که ما را به وسیله وی رهایی

بخشیدی (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۲۰) (ترجمه جملات محذوف: بار خدایا بر محمد و آل او

درود فرست، همان طور که ما را به سبب او هدایت نمودی).

أَبْنَيْكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً، وَ عَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعاً

(دعای ۳۱).

از سر فروتنی راز درونی خود را که تو نیک‌تر از خود وی بدان آگاهی داری بر شمرده

(فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۸) (ترجمه جملات محذوف: و با فروتنی گناهانش را که تو حساب آن

را بهتر می‌دانی، شمرده است).

وَ مَا أَجْرِي عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشِي... وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِعْرَاقاً فِي

النِّتَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَاباً فِي تَمَجِيدِكَ، وَ شُكْراً لِنِعْمَتِكَ، وَ اعْتِرَافاً بِأِحْسَانِكَ، وَ إِحْصَاءً لِمَنِّكَ

(دعای ۲۰).

و هر ناسزا و... و مانند آن را که شیطان بر زبانم جاری می‌سازد، تو به رحمت خویش آن را به یاد کرد شکوه و اندیشه در توانایی و تدبیر علیه دشمنت مبدل فرمای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۲).

مترجم در ترجمه این قسمت از دعا، از جمله «بالحمد لک تا إحصاء مننک» را که شامل شش جمله است، در ترجمه حذف کرده و به جای ترجمه این جمله، ترجمه خط اول دعا را در اینجا تکرار کرده است..

ترجمه کامل جملات حذف شده این چنین است: (به گفتن سپاس تو، و فراوانی در ستایش تو، و کوشش در بزرگ دانستن تو و شکر نعمت، و اقرار به احسانت و شمردن نعمت‌هایت مبدل ساز).

۳-۲- قبض یا کاهش

«در مقابل بسط و گسترش معنایی، قبض قرار دارد که به کار بردن یک واژه در زبان مقصد به جای چند واژه متن مبدأ است و شامل حذف فعل‌ها به قرینه لفظی، تبدیل مجهول به معلوم، اسمی‌شدگی، ترجمه جمع به صورت مفرد که از آن به ترانهش یاد می‌کنند. ترانهش تعویض صورت، شامل حرکت از یک طبقه دستوری به طبقه دستوری دیگر است» (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۷).

۳-۲-۱- حذف به قرینه لفظی

یکی از راهبردهایی که برخی از مترجمان به آن دست می‌زنند، حذف فعل به قرینه لفظی است که سبب قبض واژگانی می‌شود.

برخی از مترجمان به دلایلی چون ناتوانی در فهم معنای جمله یا بخشی از آن، کاستن از فشار کار ترجمه، ضروری تشخیص ندادن آن، خطای دید برخی از ارکان، قسمت‌هایی از متن را حذف می‌کنند که به دور از امانت داری است (نصیری، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

أَوْ أَخَّرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ (دعای ۲۷).

یا پیشامد و رخ داده‌ای، بیرون از خواست وی، مانع راه وی شود (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷). در ترجمه این جملات، مترجم دست به کاهش زده؛ یعنی در این فرآیند، حذف به معنای دقیقش وجود ندارد؛ بلکه مترجم، از میزان واژه‌های متن مبدأ کاسته و در برابر آن معنای اندک آورده است و چکیده دو جمله را در یک جمله بیان کرده و بدین ترتیب هم لفظ و هم معنا، کم‌تر از متن اصلی منتقل شده و هر دو در زبان مقصد کاهش یافته است. ترجمه دقیق و کامل به این قرار است: (یا پیشامدی او را از قصدش به تأخیر اندازد، یا مانعی در برابر اراده‌اش پیش آید).

وَ شَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ وَ نَكَّلُ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ (دعای ۲۷).

و با پراکنده ساختن پیش تازان آن‌ها از پی آیندگان ایشان را مرعوب ساز و در هم شکن (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

در این فراز از دعا، ترجمه دو جمله به یک جمله در زبان مقصد، کاهش یافته است. لازم به ذکر است که مفهوم مرعوب ساختن، در این فراز از دعا وجود ندارد و مترجم از جانب خود آن را افزوده و عبارت «من خلفهم» هم ترجمه نشده است. نکته دیگر اینکه «شرد» فعل امر است در حالی که مترجم با تبدیل آن به مصدر، در مفهوم دقیق آن، اخلال ایجاد کرده است و ترجمه دقیق آن این چنین است: «و با (سختی و گرفتاری) ایشان، پشت سری‌هاشان را پراکنده گردان، و ایشان را برای آن‌ها که در پس ایشانند عبرت قرار ده» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۸۲).

صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ النَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا (دعای ۲۷).

درودی والاتر از هر درود و همه تحیات، درودی که آن را پایانی نباشد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۸).

مترجم مفهوم «مشرفه» را با «عالیه» یکسان در نظر گرفته و به صورت کاهش (کاهش لفظ و معنا) ترجمه کرده است.

۳-۲-۲- تغییر مجهول به معلوم

وَلَا أَظْلَمَنَّ (دعای ۲۰).

بار خدایا! آن کن که کس بر من ستم روا ندارد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

فعل مجهول «أظلمن» به صیغه معلوم، ترجمه شده است.

و أُبْتَلِيَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي (دعای ۲۰).

و بدگویی از آن کس که آن را از من منع داشته دچار آیم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

فعل «أبتلی» به صورت مجهول به کار رفته است، اما مترجم، آن را به صورت معلوم و لازم

ترجمه شده است.

۳-۲-۳- اسمی شدگی

اسمی شدگی به معنای تبدیل فعل به مصدر یا اسم است.

یک گروه اسمی که با یک گزاره حاوی هسته اسمی، تطابق نظام‌مندی دارد و از نظر

ساختواری به یک فعل مربوط است و به عبارت دیگر جایگزین شدن گروه فعلی با گروه

اسمی را اسمی شدگی می‌نامند. این راهکار بانی یکی از جنبه‌های قبض یا کاهش واژگانی

متن مبدأ است (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۱۹).

به این علت که «برخلاف فعل، اسم دو مشخصه فاعل و زمان را ندارد و در تبدیل فعل

به اسم قبض معنایی صورت می‌گیرد» (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۸).

لَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ (دعای ۴۹).

بی درخواست بخشش آغاز کردی (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۴). (تبدیل فعل «لم تُسأل» به اسم:

بی درخواست)

الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفِرُونَ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقًّا

عِبَادَتِكَ (دعای ۳).

درود بر آن فرشتگانی که چون جهنم را با لهیب آن بر گناهکاران مشاهده کنند

(فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۶). (تبدیل فعل «تزفرون» به اسم: لهیب)

أَسْتَوْهِيكَ سُوءَ فِعْلِي (دعای ۳۱).

از بدکرداریم خواهان بخشش (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۷). (تبدیل فعل «استوهبک» به اسم: خواهان بخشش)

۳-۲-۴- ترجمه جمع به صورت مفرد

وَلَا أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ (دعای ۲۰).

و بار سنگین کسب روزی را بر دوش کشم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۴)

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطْوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ (دعای ۴۹).

در همه آن‌ها با سطوت و قهر و فرود آمدن کیفرهای تو رخ به رخ شده‌ام (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۷).

دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِيهِ (دعای ۴۹).

زهر کشنده در آب من آمیخته کرد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۷).

وَ فِي جَمِيعِهِ أَنْهَمَاكَ مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ (دعای ۴۹).

و حال آنکه من همچنان در نافرمانی تو مستغرق بودم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۸).

۳-۳- تغییر در صنایع بلاغی^{۲۹}

تغییر در صنایع بلاغی زمانی رخ می‌دهد که در متن مبدأ صناعی از جمله استعاره و تشبیه وجود داشته باشد؛ گاهی مترجم به جای ترجمه دقیق، آن را از متن مقصد حذف می‌کند و یا دست به تغییر آن می‌زند.

قَادَتْهُ أَرْمَةٌ الْخَطَايَا (۳۱).

زمام اختیارم در پنجه خطایا افتاد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۶).

«أَرْمَةُ الْخَطَايَا»: مترجم هنگام ترجمه در استعاره مکنیه موجود در دعا، تغییراتی داده و

زمام را به اختیار نسبت داده است و ضمیر متصل «م» را از جانب خود به جمله افزوده

است؛ در حالی که مؤلف زمام را به «خطایا» نسبت داده و اضافه کرده است. ترجمه دقیق دعا، بدین شکل است: زمام خطاها او را راهبری می‌کند.

تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَى (دعای ۳۱).

آن ابرهایی که بر روی پیش وی سایه افکنده، به یک سو رود (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۶). «سحاب العمی» (ابراهای نابینایی)، ترکیبی است که از آن اضافه تشبیهی ساخته شده است. و مترجم در حین ترجمه این صنعت بلاغی، دست به تغییر زده و عمل ساده‌سازی انجام داده و بدین ترتیب در انتقال زیبایی آن، کوتاهی کرده است. لازم به ذکر است که کتاب صحیفه‌ی سجادیه علاوه بر اینکه یک کتاب دعایی است، یک متن ادبی زیبا هم به شمار می‌رود؛ از این رو در انتقال صنایع بلاغی آن نباید کوتاهی کرد.

إِذَا سَبَّحْتَ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ (دعای ۳).

و چون ابرها روان شوند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۵).

در این قسمت از دعا، استعاره زیبایی به کار رفته و آن عاریت گرفتن شنا کردن برای ابرها است؛ روان شدن و به حرکت درآمدن ابرها، به شنا کردن تشبیه شده و متاسفانه مترجم این صنعت بلاغی زیبا را در ترجمه منتقل نکرده است. ترجمه این استعاره زیبا را در ترجمه فیض الاسلام به زیبایی می‌بینیم: «و چون ابر خروشان به صدای زجر او به شنا درآید (رفت و آمد نماید)» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۵۴).

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَيَّ أَهْلُ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقًّا عِبَادَتِكَ (دعای ۳).

درود بر آن فرشتگانی که چون جهنم را با لهیب آن بر گناهکاران مشاهده کنند، گویند: «پاکا که تویی خداوندا، ما تو را آنگونه که سزاوار عبادت تو بود نپرستیدیم!» (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۴)

«تزفر» به معنای بیرون دادن نفس، پس از نفس کشیدن عمیق است و «زفرت النار» به معنای «به گوش رسیدن صدای آتش است»؛ (زبیدی، ۱۹۷۲، ج ۱۱: ۴۳۲-۴۳۱؛ فراهیدی،

۲۰۰۳، ج ۲: ۱۸۶) که با توجه به مفعول (با واسطه) آن، یعنی «علی أهل معصیتک»، بیشتر معنای اول مد نظر است و در این حالت، استعاره مکنیه‌ای وجود دارد که در آن، جهنم به انسانی تشبیه شده که از روی تأسف آه می‌کشد و نفسش را بیرون می‌دهد. سپس مشبه به (انسان) حذف شده و یکی از لوازم آن که «آه کشیدن» است، ذکر شده است. اما مترجم، به این استعاره توجهی نکرده و مفهوم آن را به لهیب ترجمه کرده است.

دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ أَظْلَمَنِي فِي ذَرَاكَ (دعای ۲۰).

دردم را درمان کن و مرا در کنف امن جای ده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

استعاره مصرحه: «مشمول رحمت نمودن» به «زیر سایه خود بردن» تشبیه شده و سپس طرف اول تشبیه حذف شده و مشبه به باقی مانده و استعاره مصرحه پدید آمده است. اما مترجم در ترجمه این صنعت بلاغی، با کم دقتی آن را حذف کرده است. ترجمه و انتقال این صنعت بلاغی را در ترجمه فیض الاسلام می‌بینیم: «و در سایه (رحمت) خود مرا جای ده» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۳۹).

۳-۴- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای

همچنانکه از عنوان مشخص است، این مبحث شامل متونی می‌شود که در آنها، از اصطلاحات محاوره‌ای استفاده شده که مترجم، هنگام ترجمه، دست به تغییر و تعدیل آنها می‌زند؛ روشن است که کتاب صحیفه سجادیه عاری از اصطلاحات محاوره‌ای بوده و از این جهت، این مؤلفه، در ترجمه دیده نمی‌شود.

۳-۵- حذف بن‌مایه متعهدانه

این مورد نیز در ترجمه یافت نشد.

۳-۶- ساده انگاری و خطای مترجم

خطای مترجم ناشی از بدفهمی یا کم‌دانی او در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است (متقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۷). البته بی‌دقتی و عدم حساسیت کافی در امر ترجمه نیز مزید بر علت است. خطاهای ترجمه‌ای مترجم مذکور را می‌توان در دو دسته زیر بررسی کرد:

۳-۶-۱- خطاهای معنایی - لغوی

حَقَّقْ فِي رَجَاءٍ رَحْمَتِكَ أَقْلِي (دعای ۲۰).

آرزویم را با امید به رحمت خود مقرون فرمای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

معنای واژه «حقوق» به معنای «محقق ساختن» است در حالی که مترجم به صورت «مقرون فرمای» ترجمه کرده است.

لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ (دعای ۲۰).

کارهای خیر مرا با شائبه منت نهادن بر خلق خدای میامیز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

واژه «محق» به معنای «آمیختن با چیزی» نیست؛ بلکه به معنای باطل شدن، نابود شدن و از بین رفتن برکت چیزی است (ر.ک: ابن سیده، ج ۳: ۲۷؛ ابن منظور، ۱۹۸۸: ج ۱۰، ۳۸؛ احمدبن فارس، دت، ج ۲: ۵۰۱). پس ترجمه صحیح جمله این چنین می‌شود: (کارهای خیر مرا با منت نهادن، باطل نگردان).

أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَشْرًا (دعای ۲۷).

آن‌ها را به وسیله‌ی صفوف فرشتگانی که در نزد تو یاری فرمای تا ایشان را تا آنجا که زمین تو هست به قتل و اسارت منهزم سازند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

«إلى منقطع التراب» عبارتی است که در ترجمه، مورد بی‌عنایتی قرار گرفته و به این شکل ترجمه شده: «تا آنجا که زمین تو هست». این بیان چنین توهمی برای مخاطب ایجاد می‌کند که فقط بخشی از این زمین مال خداست که مترجم گفته: تا آنجا که زمین تو هست. نکته قابل توجه آن‌که، «إلى انتهائیه» است نه ابتدائیه. ترجمه صحیح این عبارت را در ترجمه

فیض الاسلام می‌بینیم: «تا دشمنان را به پایان خاک در زمین تو کشته و اسیر شده رانده و شکست دهند» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ (دعای ۳۱).

بار خدایا! به توبه من جز به نگهبانی تو، اعتمادی نیست (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۸).

واژه «عصمه» به صورت دقیق معادل یابی نشده است؛ به بیان دیگر مفهوم دقیق این واژه «نگهبانی» نیست؛ بلکه معنا و معادل آن، «نگهداری» (ر.ک: فیومی، ۱۴۱۴: ۴۱۴؛ دهخدا، ۱۹۸۸: ۲۲۵۷؛ ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۲: ۴۰۵) است که اکثر مترجمان از جمله انصاریان، آیتی، بلاغی و فیض الاسلام همین معادل را انتخاب کرده‌اند. لازم به ذکر است در معنای نگهبانی، بیشتر معنای پاییدن مد نظر است اما در معنای نگهداری، معنای حفظ کردن مورد نظر است.

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْبِي (دعای ۲۰).

ای خدا! به لطف خویش نیتم را از هر شائبه‌ای مصون دار (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

فعل «وفِّر» به معنای «کامل گردانیدن» است (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۳۲۴؛ مجمع اللغة العربية، ۲۰۱۱: ۱۰۸۹) و مترجم به اشتباه، معادل نادرست «مصون دار» برای آن انتخاب کرده است و اکثر مترجمین از جمله فیض الاسلام هم در معنای «کامل گردان» ترجمه کرده است: «بار خدایا نیت مرا به لطف خود کامل گردان» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

هَبْ لِي مَكْرًا عَلَيَّ مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَيَّ مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي (دعای ۲۰).

در برابر کسی که با من ترفند می‌کند، مکر بیاموز، و پیش آن کس که مرا مقهور خویش خواهد، توانائی عطا فرمای و دروغ دشنام‌دهنده مرا آشکار ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

در اینجا سخن از آشکار کردن دروغ کسی نیست؛ بلکه امام سجاد (ع) از خدواند متعال می‌خواهد که هر کس او را ناسزا گوید، آن را تکذیب کند. معنای صحیح ترجمه این

جمله چنین خواهد بود: «و بر آنکه مرا دشنام دهد تکذیبی (انکاری)» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۳۲) عطا فرما.

۳-۶-۲- خطاهای دستوری (صرفی - نحوی)

وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ تَقَةً بِكَ (دعای ۳۱).

با اعتماد تمام روی دل بجانب تو کرده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۵).

در جمله مورد نظر، کلمه تَقَةً، «مفعول‌له» است در حالی که به صورت حال ترجمه شده است. یعنی به خاطر اعتمادی که به تو داشته، رو به سوی تو کرده است.

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَذْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ (دعای ۳۱).

چنین بنده‌ای را اگر به حکم داد، کیفر دهی زبان به انکار نگشاید (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۵). عدل که «مفعول‌به» جمله است، به صورت «به حکم داد» (مضاف الیه متمم) ترجمه شده و این ترجمه به گونه‌ای است که انگار جزء ارکان اصلی جمله نبوده و مترجم به عنوان توضیح بیشتر آورده؛ چرا که کلمه «به حکم..» در متن اصلی وجود ندارد و مترجم از جانب خود افزوده است.

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً (دعای ۳۱).

و در پرده عافیت خویش در پوشان (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۶).

حرف «باء» معانی مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، استعانت است. بقاء استعانت، بر ادات و وسیله فعل که واسطه بین فاعل و مفعول است، قرار می‌گیرد (ابن هشام، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۳۸). در دعای مورد نظر نیز حرف بقاء همین معنا را داراست؛ هم‌چنان‌که خود او در دعای دیگر، این بقاء را بای استعانت ترجمه کرده است: «أَيُّدُهُ بِالنُّصْرَةِ» (دعای ۲۷): با پیروزی تاییدش فرما. ترجمه دقیق دعای جمله مورد نظر نیز، بدین شکل است: «و به فضل و بخشش، با پرده عافیت مرا بپوشان» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۲۱۱).

أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ (دعای ۲۰).

درباره مردم بر دست من کارهای نیک روان ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

ترجمه صحیح و روان این قسمت از دعا به صورت زیر است: به دست من، کارهای نیک را بر مردم روان ساز.

خطایی که در این قسمت از ترجمه ملاحظه می‌شود، ناشی از ترجمه نادرست حرف «ل» و «علی» است. حرف لام به صورت «درباره..» ترجمه شده و حرف «علی» به صورت «بر» (به صورت کاملاً تحت اللفظی) ترجمه شده است.

در حالی که در این جمله، لام معنای تملیک دارد؛ به بیان دیگر «لام در اینجا دلالت می‌کند که فاعل فعل قبل، شیئی‌ای را به مجرور تملیک کرده و به او داده است» (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۳) و حرف «علی» «از طریق توسیع معنایی استعاری، معنای ثانویه «وظیفه و بر عهده» را کدگذاری می‌کند» (توکل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲)؛ به بیان دیگر، «علی» در اینجا به معنای «به دست من» است نه «بر دست من».

وَأَرْفَعُنِي عَنْ مَصَارِعِ الدُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِي (دعای ۳۱).

و مرا از زور آزمایی با گناهان و پنجه در افکندن با آن فاتحانه برگیر (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۲۰).

«مصارع» جمع مصرع اسم مکان است و به معنای «لغزشگاه‌ها» است. و دلیل قوت این سخن معنای فعل «ارفعنی» است که بلند کردن از مکان معنی دارد در حالی که مترجم آن را مصدر میمی ترجمه کرده است.

أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَ فَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَزَأَى كَيْسَرَ عَضِيَانِهِ كَيْسِرًا وَ جَلِيلًا مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا (دعای ۳۱).

در آن اموری که بر نفس خویش ستم کرده و در مواردی که با پروردگارش به مخالفت برخاسته، اندیشه کند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۲۰).

در این قسمت از ترجمه، ترجمه فعل «أحصى» صورت نگرفته و مترجم به مفهوم فعل جمله دوم بسنده کرده است. و این بسندگی سبب شده که علاوه بر حذف معنای فعل، نقش نحوی کلمه (ما) که مفعول به است، نادیده گرفته شود و به صورت متمم ترجمه شود.

لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَىٰ وَحِزْبُكَ الْأَقْوَىٰ وَحِزْبُكَ الْأَوْفَىٰ فَلَقَّهِ الْيُسْرَ، وَهَيَّئِ لَهُ الْأَمْرَ، وَتَوَلَّهُ
بِالنُّجْحِ (دعای ۲۷).

تا دین تو را برتر سازد، و حزب تو را نیرومندتر گرداند، پس موجبات تسهیل کارش را فراهم آر و رستگاری او را سرپرستی فرما و یاران نیکو برای وی برگزین (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

در فراز مورد نظر از دعای بیست و هفتم صحیفه، «لیکون» از افعال ناقصه است و معنای شدن می‌دهد و «دین» اسم آن و «اعلی» خبر آن است. و ترجمه آن به این شکل است: «تا دین تو، برتر و حزب تو قوی‌تر شود»، در حالی که مترجم این جمله را به صورت فعل تام و سببی «گرداند» ترجمه کرده است. شایان ذکر است دو جمله «وَ حِزْبُكَ الْأَوْفَىٰ»، و «هَيَّئِ لَهُ الْأَمْرَ» در ترجمه حذف شده است.

لَوْحٌ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ (دعای ۲۷).

آنچه را که در آنجا از جایگاه‌های جاویدانی... در برابر دیدگان‌شان نگارین جلوه دهد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

لَوْح فعل امر مخاطب است، در حالی که به صورت سوم شخص التزامی ترجمه شده است.

شَرُّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ وَ نَكَلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَ أَقْطَعْ بِحِزْبِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ (دعای ۲۷).

با پراکنده ساختن پیش تازان آنها از پی آیندگان ایشان را مرعوب ساز و در هم شکن، تا از حمله قطع امید کنند و روی برتابند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۶).

در دعای مورد نظر، «اقطع» فعل امر مخاطب است و «اطماع» مفعول به آن؛ در حالی که این فعل به صورت ماضی و به صورت سوم شخص ترجمه شده و قطع امید کردن به خود این افراد نسبت داده شده است و این جمله یک جمله مستقل است در حالی که به صورت التزامی ترجمه شده است. «حزبهم» هم در ترجمه نیامده است.

مَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَا أَشْتَبِدُ بِهِ، وَ طَرِيقَةَ حَقِّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا (دعای ۲۰).

مرا به راه شایسته‌ی هدایت ره نما و چنان فرما که راهت بازگونه نکنم و طریق حق را پیش پای من گشوده فرمای و چنان کن که گرایش به راه باطل پیدا نکنم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

جمله «لَا أُسْتَبَدِلُ بِهِ» که بعد از جمله اول قرار گرفته، در نقش جمله وصفیه آمده است. منتها مترجم به دلیل ساده انگاری و عدم حساسیت علمی بالا به امر ترجمه، آن را تبدیل به جمله معطوف کرده است. این خطا، سبب افزودن کلمات بیش‌تر و اطناب در ترجمه نیز شده است. جمله بعدی نیز دارای همین خطاست.

ترجمه صحیح این نمونه، چنین می‌شود: (مرا به هدایت شایسته‌ای رهنمون فرما که برای آن جایگزینی نگیرم).

۴- بررسی آماری کاهش ترجمه فولادوند

براساس بررسی‌هایی که در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه به عمل آمد، بسامد آماری زیر به دست آمد؛ در این بررسی که پنج دعای شریف ۳، ۲۰، ۲۷، ۳۱ و ۴۹، به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، تک تک کلمات و عبارات با دقت بالا مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۱- بسامد مؤلفه‌های کاهش در ترجمه فولادوند

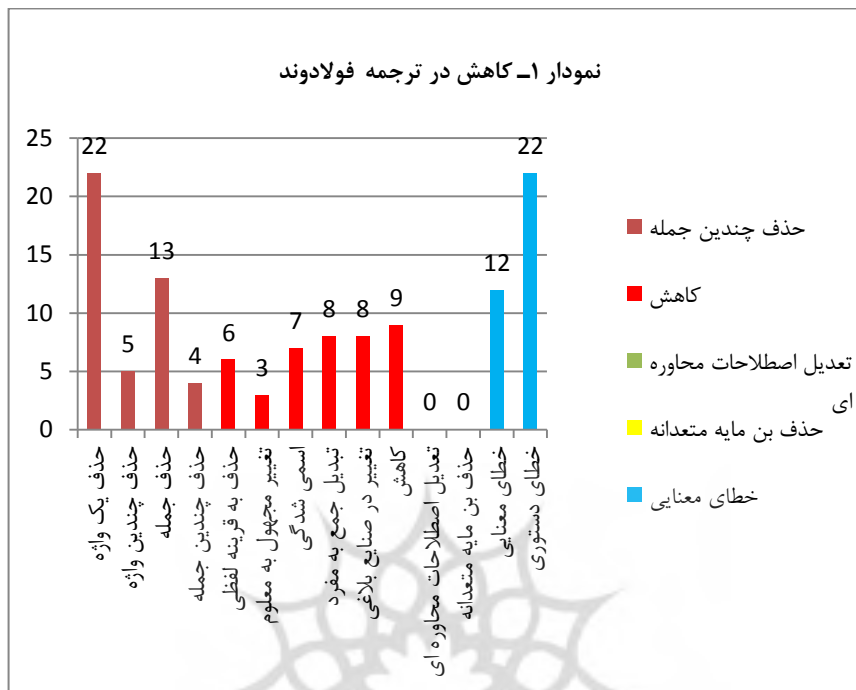
حذف	تعداد	قبض (کاهش)	تعداد	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	تعداد	حذف بنمایه متعدهانه	تعداد	خطای مترجم	تعداد
حذف یک واژه	۲۲	حذف به قرینه لفظی	۶	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	۰	حذف بنمایه متعدهانه	۰	خطای معنایی	۱۲
حذف چندین واژه	۵	تغییر مجهول به معلوم	۳					خطای دستوری	۲۲

						۷	اسمی شدگی	۱۳	حذف جمله
						۸	تبدیل جمع به مفرد	۴	حذف چندین جمله
						۸	تغییر در صنایع بلاغی		
						۹	کاهش		

همچنانکه در جدول ملاحظه می‌شود، در این ترجمه شاهد انواع حذف هستیم که بیشترین مقدار آن را در حذف واژه و جمله می‌بینیم. در قسمت کاهش نیز، انواع مؤلفه‌های کاهش با مقادیر نزدیک به هم دیده می‌شود. در قسمت تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای و حذف بن‌مایه، موردی یافت نشد و خطای مترجم، هم در بخش معنایی و هم بخش دستوری دیده می‌شود که بالاترین بسامد در بخش دستوری قابل ملاحظه است.

نمودار زیر نیز، بیانگر بسامد هر کدام از مؤلفه‌های کاهش در ترجمه مذکور است؛ بالاترین بسامد مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۵- نتیجه گیری

براساس نظریه گارسس، کاهش که جزء مؤلفه‌های منفی ترجمه است، شامل: کاهش (قبض)، حذف، حذف بن مایه متعدهانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، تغییر در صنایع بلاغی، تغییر، ساده انگاری و خطای مترجم می‌شود؛ با کاربرد این نظریه در ترجمه صحیفه سجادیه توسط محمد مهدی فولادوند، نتایج زیر حاصل شد:

۱- در ترجمه فولادوند، شاهد انواع حذف هستیم؛ این حذفیات شامل حذف یک واژه یا یک عبارت، حذف چند واژه یا چندین عبارت، حذف بی‌رویه عبارت‌ها و حذف جمله و حذف بی‌رویه چندین جمله است.

۲- قبض یا کاهش که به مفهوم به کار بردن یک واژه در زبان مقصد به جای چند واژه متن مبدأ است، شامل حذف فعل‌ها به قرینه لفظی، تبدیل مجهول به معلوم، اسمی‌شدگی، ترجمه جمع به صورت مفرد است و در دعا‌های مورد بررسی، هر کدام چندین نمونه دارد.

۳- تغییر در صنایع بلاغی از عیوب کاهشی دیگری است که در ترجمه فولادوند دیده می‌شود که گاهی مترجم به جای ترجمه دقیق، آن را از متن مقصد حذف کرده و یا دست به تغییر آن زده است.

۴- خطاهای ترجمه‌ای مترجم مذکور، در دو دسته: ۱. خطاهای معنایی- لغوی و ۲. خطاهای دستوری (صرفی- نحوی) بررسی شد. خطاهای معنایی- لغوی شامل عدم معادل‌یابی صحیح واژگان و عدم انتقال دقیق و صحیح معنا بود و خطاهای دستوری شامل خطا در ترجمه، مفعول له، ترجمه نادرست حروف اضافه، اسم مکان، مفعول، فعل ناقصه و اسم و خبر آن، فعل امر، جملات وصفیه و... است.

۵- عنصر «تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای» و حذف بن‌مایه متعهدانه در این ترجمه دیده نشد.

۶- نتایج بررسی‌ها نشان داد که در این ترجمه انواع حذف وجود دارد که بیش‌ترین تعداد آن را حذف واژه و جمله تشکیل می‌دهد. در قسمت کاهش نیز، انواع مؤلفه‌های کاهش با بسامد نزدیک به هم دیده می‌شود. در قسمت تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای و حذف بن‌مایه، موردی یافت نشد و خطای مترجم، هم در بخش معنایی و هم بخش دستوری یافت شد که بالاترین بسامد مربوط به بخش دستوری است. و در بررسی نموداری، بالاترین بسامد مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

۶- پی‌نوشت

1. Ms. Carmen Valero Garces
2. Catford
3. Vinay & Darbelnet
4. Eugene Nida
5. Peter Newmark

6. Delicel
7. Semantic - lexical level
8. syntactic - Morphological level
9. Discursive-functional
10. cognitive (practical) style
11. Addition
12. Conservation
13. Suppression
14. Expansion
15. Transposition
16. Modulation
17. Elaboration
18. Cultural Equivalent
19. Adaptation
20. Ambiguity
21. loan translation
22. Literal Translation
23. Compensation
24. Contraction
25. Omission
26. Omission the committed motif
27. modifying colloquial terms
28. Translator mistake
29. modification in rhetorical analysis

۷- منابع

- ۱- آذرشب محمدعلی، ملکی معصومه، اسدالهی لیلا، «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای بر اساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۶ (۱۲)، صص ۲۶۰-۲۲۵، (۱۳۹۸ش).

- ۲- أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، المجلد ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، (د.ت).
- ۳- ابن سیده، المحکم والمحیط الأعظم، تحقیق: عبدالحمید هنداو، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۱هـ).
- ۴- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۹۸۸م).
- ۵- ابن هشام أنصاری، جمال الدین، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب. ط ۵. بیروت: مکتبة بنی هاشمی، (۱۹۷۹م).
- ۶- توکل نیا، مریم و ولی الله حسومی، «بررسی شبکه معنایی حرف جر علی در قرآن با رویکرد شناختی»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان، صص ۲۲۸-۲۰۳، (۱۳۹۷ش).
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دوم، ناشر: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، (۱۹۸۸م).
- ۸- رحیمی خویگانی، محمد، «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس)»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث. دوره ۴، شماره هفتم، صص ۹۴-۶۹، (۱۳۹۶ش).
- ۹- رشیدی، ناصر، شهین، فرزانه، «ارزیابی و مقایسه‌ی دو ترجمه فارسی از رمان دن کیشوت اثر میگوئل دوسروانتش بر اساس الگوی گارسس»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۵۶-۴۱، (۱۳۹۲ش).
- ۱۰- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاسوس، المحقق: عبدالکریم الغریبوی، الكويت: التراث العربی، (۱۹۷۲م).
- ۱۱- زرکوب، منصوره و عاطفه صدیقی، «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها، با تکیه بر ترجمه کتاب التّرجمة و أدواتها»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۳، شماره ۸، صفحه ۳۵-۵۴، (۱۳۹۲ش).
- ۱۲- سلطانی رنانی، سید مهدی، «نقد ترجمه استاد فولادوند»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۴، ویژه نامه ترجمه قرآن، (۱۳۸۴ش).

- ۱۳- سلطانی، محمد علی، «تأملی در یک ترجمه از صحیفه سجادیه»، آئینه پژوهش، شماره ۴۹، صص، ۱۹-۲۴، (۱۳۷۷ش).
- ۱۴- صفایی، غلامعلی، ترجمه و شرح معنی الأديب، چاپ هشتم، قم: قدس، (۱۳۸۷ش).
- ۱۵- صیادانی، علی و همکاران، «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۸۷-۱۱۸، (۱۳۹۶ش).
- ۱۶- فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، التحقيق: عبدالحمید الهنداوی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۲۰۰۳م).
- ۱۷- فرهادی، پروین، «بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه موردی: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (۱۳۹۲ش).
- ۱۸- فولادوند، محمد مهدی، پیشوای چهره بر خاک سایندهگان (صحیفه سجادیه)، ترجمه، چاپ اول، تهران: سوره مهر، (۱۳۷۹ش).
- ۱۹- فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه صحیفه سجادیه، چاپ دوم، تهران: فقیه، (۱۳۷۶ش).
- ۲۰- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، دار الهجرة، (۱۴۱۴ق).
- ۲۱- لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۸۹ش).
- ۲۲- متقی‌زاده، عیسی و نقی‌زاده، سید علاء، «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۱۶۹-۱۹۳، (۱۳۹۶ش).
- ۲۳- مجمع اللغة العربية، المعجم الوسيط، ط ۵، مصر: مكتبة الشروق الدولية، (۲۰۱۱م).
- ۲۴- مختاری اردکانی، محمدعلی، «استعاره ترجمه (مجموعه مقالات در مورد ترجمه)»، کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر کرمان، (۱۳۸۶ش).
- ۲۵- نصیری، حافظ، روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، تهران: سمت، (۱۳۹۰ش).